

کارگران جهان متحد شوید!

ایسکرا

۲۸۹

دبیر کمیته کردستان
محمد آسگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail: asagaran@aol.com

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۳ آذر ۱۳۸۴ ، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیر: عبدل کلپریان

مصاحبه ایسکرا با نسرین رمضانعلی در مورد برگزاری مراسمهای ۱۶ آذر



ایسکرا: جمهوری اسلامی به هر ترتیبی بود روز ۱۶ آذر را پشت سر گذاشت. به نظر می رسد امسال فضا و جو تهدید و ارباب رژیم تا حدودی توانست مانع بر پایی تظاهراتها و اعتراضات دانشجویان بشود. از نظر شما امسال چه تفاوتهایی با سالهای پیش داشت و ارزیابی شما چیست؟

نسرین رمضانعلی

فاکتور دوم این بود که دسته های بسیجی و انجمن های اسلامی را در دانشگاهها به راه انداختند و در صدد دو لتی کردن مراسم های این روز بر آمدند. اما علیرغم همه اینها مراسم های ۱۶ آذر کماکان با يك و یا چند روز تاخیر دارد برگزار می شود. در روز ۱۶ آذر در تهران و چندین شهر کشور در دانشگاهها مراسم هایی برگزار صفحه ۴

نسرین رمضانعلی: قبل از اینکه به سوال شما پاسخ بدهم اجازه بدهید این را بگویم که ۱۶ آذر امسال را ظاهرا رژیم دست پیش گرفت تا پس نیفتد. امسال دیدیم و شاهد بودیم که دو فاکتور یکی اینکه از دو ماه قبل جو سرکوب را آغاز کرد و در روزهای اخر هم نوعی حکومت نظامی اعلام نشده را بوجود آوردند و

قطعنامه دفتر سیاسی علیه فدرالیسم و مخاطرات ناشی از تنشهای قومی در جامعه

ناسیونالیسم کرد در قدرت سیاسی در عراق از یکسو، و بحران لاعلاج رژیم اسلامی و امید به بازی گرفته شدن جریانات ناسیونالیست قومی صفحه ۲

آمریکا از این خواست، تبلیغات و تحرکات قوم پرستانه و ناسیونالیستی ابعاد گسترده تری یافته است. سازمان دادن حکومت فدرال قومی و شریک شدن

۱- با تجمع جریانات متعدد قوم پرست به گرد شعار ارتجاعی فدرالیسم و حمایت بخشهایی از جریانات ملی- اسلامی و همچنین برخی از جریانات استراتژیست

بیانیه "واقعبینانه" راست در حککع

فعالیت ما پایان دهد و برخورد درستی با این سیاست ما بکنند!" در نوشته ای تحت عنوان پرچم سفید در برابر پرزیدنت طالبانی! ریبوار احمد در آغاز راهی که دوخرداد به پایان رساند به قلم حمید تقوایی، این بیلبینه به نقد کشیده شد.

ریبوار احمد در پاسخ به نقد سیاسی حمید تقوایی و در دفاع از جنگ طلبانه و مانع تراشی در برابر صفحه ۳

ریبوار احمد دبیرکمیته مرکزی حککع تحت عنوان "در باره کشمکش بین حزب کمونیست کارگری عراق و اتحادیه میهنی کردستان" که در آن اعلام نموده، رسما و بطور یکجانبه به این کشمکش و درگیری با اتحادیه میهنی خاتمه میدهد و از اتحادیه میهنی میخواهد که "به آزادی سیاسی پایبند باشد، به سیاست جنگ طلبانه و مانع تراشی در برابر



عبدل کلپریان

بدنبال صدوربیانیه ای از طرف

تجمع کارگران آجر ماشینی سنندج با حمله
وحشیانه نیروهای رژیم روبرو شد
صفحه ۶

تهاجم به دفتر حزب کمونیست کارگری چپ عراق
در بغداد محکوم است
صفحه ۶

رهایی انسان! پلانفرم دانشجویان
صفحه ۷

کارگران نساجی در محاصره
نیروی انتظامی
صفحه ۵

نیروی انتظامی به صف
اعتراضی کارگران نساجی
کردستان حمله کرده است
صفحه ۶

گزارشی از تجمع
اعتراضی کارگران
نساجی کردستان
و تهاجم نیروهای
رژیم به آنها
صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعه‌نامه دفتر سیاسی علیه فدرالیسم و مخاطرات ناشی از تنشهای قومی در جامعه

از صفحه ۱

بر اساس سناریوهای نظم نوینی از سوی دیگر عامل مهمی در تشدید این تحولات در شرایط سیاسی کنونی ایران است.

۲- در دوران نظم نوین جهانی، ناسیونالیسم و هویت‌های ناسیونالیستی و قومی و مذهبی بعنوان ماتریالی برای ایجاد شالوده ایدئولوژیک و کسب مشروعیت سیاسی برای حکومت‌های دست ساز و مورد تایید غرب، بکار گرفته میشود. بورژوازی جهانی هر چه بیشتر از سکولاریسم و جدایی مذهب و ملیت و قومیت از دولت دست شسته و میکوشد فضا و فرجه ای برای جریان‌های مذهبی و قوم پرست ایجاد کند. در شرایط حاضر مطرح شدن شعار فدرالیسم از جانب برخی از محافل استراتژیست آمریکا در عین اعمال فشار دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی، تلاشی برای قراردادن یک آلترناتیو حکومتی نظم نوینی در برابر جامعه است.

طلبانه ناسیونالیسم ایرانی برای مردمی که خود را نماینده آنها قلمداد میکنند پیشینه تاریخی و ملی میسازند و به کینه و نفرت قومی میان بخش‌های مختلف جامعه دامن میزنند. تشدید و گسترش این تخاصمات میتواند منجر به یک کشمکش خونین در جامعه شود.

با توجه به نکات فوق حزب کمونیست کارگری ایران با تاکید بر سیاست اصولی خود در محکومیت شعار فدرالیسم اعلام میدارد:

۱- در شرایط جهانی امروز فدرالیسم شعار و مطالبه ای عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی است. برخلاف ادعاهای نیروهای ناسیونالیست و استراتژیست‌های نظم نوین جهانی، فدرالیسم نه تنها نسخه ای برای دموکراتیزه کردن ساختار حکومتی و راهی برای حل مساله ملی و رفع تبعیض و نابرابری و ستم بر مبنای انتساب مردم به ملیتهای مختلف نیست، بلکه سیاستی ارتجاعی است که میتواند عملاً به یک کشمکش خونبار میان بخش‌های مختلف مردم و منجر به پاکسازیهای قومی و ملی در جامعه شود.

۲- فدرالیسم و هویت‌های کاذب قومی و ملی جای چندان در میان مردم ندارد. هیچ نشانی از وجود یک خصومت و کشمکش قومی و ملی در میان مردم مشاهده نمیشود. جامعه ایران ائتلاف شکننده و ناپایداری از "اقوام و ملل" نیست که به محض شل شدن قدرت مرکزی در تهران و روشن شدن سقوط محتوم رژیم اسلامی به جان یکدیگر خواهند افتاد. اما علیرغم این واقعیت وقایع دهه گذشته در سطح جهان نشان داده است که حتی جریان‌های حرکت‌های ناسیونالیستی و قومی حاشیه ای تحت شرایط خاصی قادرند

بزرگترین جدالها و کشمکش‌های خونین قومی را بر متن کوچکترین شکاف‌های ملی و قومی در جامعه پیا کنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه ایران یک بیماری سیاسی جدی نیست. اما این بیماری نه ریشه کن شده و نه جامعه و مردم در برابر آن واکسینه شده اند. از این رو حزب با تاکید بر نقش مخرب ناسیونالیسم از هر شاخه و گرایشی اعلام میکند که باید تفکر و سیاست قومی و ملی را با جدیت بیشتر و در تمامی سطوح افشاء و نقد کرد. همانطور که مذهب امروز در اذهان مردم بی آبرو و منفور است، ملی گرایی و قومی گری نیز باید بی آبرو و افشا شود. حزب سیاست ارتجاعی و قوم پرستانه نیروهای نظم نوین جهانی را به شدت محکوم میکند.

۳- ستم ملی، تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیت‌ها و قومیت‌های مختلف یکی از اشکال کریه و زشت نابرابری انسانها در جوامع سرمایه داری است. محو ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها یک هدف اعلام شده حزب کمونیست کارگری است. یک پیش شرط تحقق این هدف منزوی کردن و طرد جریان‌های ناسیونالیست قوم پرست و ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی و برسمیت شناسی آزادیهای سیاسی و حقوقی و برابری تمامی مردم مستقل از هویت‌های کاذب قومی و ملی و مذهبی است. حزب اجازه نخواهد داد جریان‌های قوم پرست و ناسیونالیست زمینه ساز خصومت و کشمکش خونین میان مردم شوند.

۴- راه حل عمومی حزب کمونیست کارگری برای رفع ستم و تبعیض در سراسر ایران برقراری نظامی است که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین کشور، مستقل از قومیت، جنسیت،

نژاد، مذهب، و اعتقادات، بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق تضمین شده باشد. در کردستان اما با توجه به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم و سرکوب خونین خواستها و اعتراضات حق طلبانه و جنبش‌های اعتراضی علیه ستم ملی در کردستان، چه در رژیمهای سلطنت و اسلامی، حزب در ارتباط با مساله کرد یکبار دیگر بر این موضع اصولی تاکید میکند که "این تنها خود مردم کردستان هستند که حق دارند و باید در یک فراندوم آزاد تصمیم خود را در باره جدایی کردستان و یا باقی ماندن در چهارچوب کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور اعلام کنند". از نظر ما موضوع فراندوم عبارت است از "جدایی از ایران و تشکیل یک دولت مستقل، یا ماندن در چهارچوب ایران با تضمین برابری کامل در کلیه حقوق و آزادی‌ها بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق کشور" (قطعه‌نامه دفتر سیاسی در باره حل مساله کرد در کردستان ایران، آذر ۱۳۷۳). در شرایط حاضر توصیه حزب در این فراندوم ماندن در چهارچوب ایران بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق کشور است. حزب سیاست جریان‌های ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی که بجای پذیرش یک راه حل سیاسی متمدانه و مراجعه به آراء عمومی مردم در کردستان سیاست سرکوب را توصیه میکنند، قویاً محکوم میکند.

۵- سیاست اعلام شده بورژوازی و کارنامه احزاب گوناگون آن نشان میدهد که امروز هیچکدام از این جریان‌ها تنها در صف مبارزه برای یک نظام سیاسی سکولار و غیر مذهبی و غیر قومی قرار ندارند بلکه عملاً در مقابل آن هستند. از این رو در شرایط سیاسی حاضر تنها

نظام سیاسی اداری سکولار مدرن و غیر مذهبی و غیر قومی که در آن بطور عملی و واقعی برابری حقوقی کلیه اهالی و شهروندان جامعه مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب و هویت ملی تضمین شده باشد، یک جمهوری سوسیالیستی است. جمهوری سوسیالیستی جامع ترین و کامل ترین نظام سیاسی مدرن و سکولاری است که میتواند آزادی و برابری و رفاه مردم را تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری برای ایجاد بیشترین آمادگی در صفوف طبقه کارگر و هشیار کردن کل جامعه و توده مردم بمنظور مقابله با مخاطرات و ظرفیتهای مخرب جریان‌های ناسیونالیست و قومگرا، تلاش میکند. این سیاست بخشی از تلاش ما برای متحد کردن صفوف هر چه وسیعتری از کارگران و توده مردم و سازماندهی و رهبری انقلاب اجتماعی علیه جمهوری اسلامی است. حزب با تمام قوا در برابر طرح‌های ارتجاعی فدرالیستی و هر پروژه و سیاستی که در شرایط حاضر نفرت و خصومت ملی و قومی و تفرقه در صفوف مبارزه جاری مردم علیه رژیم اسلامی را دامن بزند و بتواند در نهایت به درهم شکستن شالوده زندگی مدنی مردم و تخریب جامعه و مدنیت منجر شود، با تمام قوا ایستادگی کرده و طبقه کارگر و توده های مردم را برای مقابله با این طرح‌ها به میدان خواهد کشید. حزب تمامی کارگران و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن تحت پرچم آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود فرا میخواند.

دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری
۳۰ نوامبر ۲۰۰۵

فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

از صفحه ۱

بیانیه اش به همه چیز چنگ انداخته است بجز پاسخ به این نقد.

نقد حمید تقوایی شفاف و روشن است میگوید:

حککمی هیچگاه جنگی را به اتحادیه میهنی اعلام نکرده است که حالا بخواهد آتش بس اعلام کند و این جنگ را به پایان برساند. اگر چیزی به پایان رسیده نه مبارزه نظامی با یک حزب اپوزیسیون بلکه مبارزه سیاسی با دولت حاکم است.

این محور اساسی این نقد از بیانیه است که ریبوار احمد را به نوشتن ۶ صفحه پر از عصبانیت و اداری نموده. ریبوار برای دفاع از بیانیه مباحثات جوانه اش ۶ صفحه را سیاه کرده که کوچکترین دفاعیه سیاسی از این بیانیه کذایی را در بر ندارد.

بخش زیادی از پاسخ ریبوار احمد مملو از این عبارات و اتهامات است.

"کسی که بر روی این نوشته (منظور بیانیه است) حکم صادر می کند، تنها بی مایه بودن و هیستریک ناکام خط و پرژه نویسنده آن است." "بی مایگی سیاسی"، "تا کام شدن از پرژه اش بویژه در عراق"، "دچار هیستریک شده و اپورتونیست وار به هر قیمیتی شده با حککمی دشمنی می ورزد"، "دشمنی با حزب منصور حکمت در عراق"، "کسی که حزب کمونیست کارگری ایران را برهم زد"، "با متد هپروتی"، "مریخی بودن" و بلاخره دهها مورد از این عبارت پردازیها شعارگونه که ذره ای با منطق سیاسی خوانایی ندارد، در جوابیه ریبوار احمد به وفور یافت می شود.

اگر کسی این نوشته ۶ صفحه ای ریبوار را بخواند با ۵ صفحه از این ادبیات و دفاعیات نوع احزاب و سازمانهای چپ سنتی و تشکیلات دار مواجه خواهد شد که در حد خود بی نظیر است.

بخش دیگری از جوابیه ایشان به وقایع یکسال گذشته اختصاص

بیانیه "واقعینانه" راست در حککمی

ممکن نیست.

(طرح های ارتجاعی برای آینده کردستان عراق محکوم است مجموعه آثار جلد هشت صفحه ۳۴۰)

با امضای دفتر سیاسی حککمی در محکومیت طرح های ارتجاعی به دورانی بر می گردد که حاج عمو جلال و اتحادیه میهنی هنوز در راس حکومت یک کشور قرار نداشتند بلکه فقط تیول داران کردستان بودند اگر امروز زنده بود می دید حزبی را که با آن همه تلاش ساخت و امروز دارد به دولت مرکزی (نه یک اپوزیسیون ناسیونالیست) سازش و مباحثات را پیشنهاد و توصیه می کند، بی ربطی خود را به آن اعلام می کرد. ریبوار احمد و حزبی که جای سازماندهی مبارزات و اعتراضات اجتماعی و کارگری در آن کشور و حتی در محدوده کردستان و برای کنار زدن احزاب ناسیونالیست حاکم در پیش پای مبارزات مردم، در صدد سازش و مباحثات با دولت دست ساز قومی مذهبی در عراق و در کردستان عراق است. جوهر بیانیه صادر شده ایشان چیزی جز این نیست.

ریبوار احمد به جای دادن پاسخی سیاسی و روشن، چنانکه در بالا ذکر شد در اوج عصبانیت و متوسل شدن به ادبیات و فرهنگی عقب مانده که بویی از اظهار نظر سیاسی را نبرده است به پاسخگویی پرداخته است.

برای پاسخ دادن به بند بند این ۶ صفحه از شاهکار ایشان، باید به میدانی رفت که ریبوار گسترانیده است که هیچ ربطی به نقد و افشای بیانیه ایشان ندارد.

آنجا هم که وارد دفاع از خط و سیاست نامیون اخیر این حزب در بر خورد به حکومت مرکزی یا به روایت ریبوار (اتحادیه میهنی) شده است، از عقلانی بودن این سیاست و

اینکه بیانیه چاره ساز و راه گشایی را صادر کرده اند به به چه و چه افتاده است.

این دوستان مدام از این صحبت می کنند که این بیانیه خطاب به مردم نوشته شده اما در عمل مذاکراتشان با حزب حاکم و تصمیمات رئیس جمهور دست ساز پیش می رود. این معنایی جز شریک شدن در قدرت و دولت فعلی در چهارچوب کردستان ندارد. تفاوت فرسنگها فاصله این سیاست حزب ریبوار با چشم اندازهای منصور حکمت و در رابطه با اوضاع عراق، در اتخاذ چنین سیاستهایی است که

حککمی در در چنین موقعیتی قرار داده است. اما متاسفانه ریبوار احمد بر روی این نکات بحثی ندارد و ناچار است برای گرد و خاک به پا کردن به تاریخ اختلافات سیاسی یک سال گذشته و طبق معمول از دیدگاهی تشکیلاتی و شخصی رجوع کند و در کنار آن با عبارت پردازی و کلمات و ادبیاتی غیر منطقی همچنان خواننده را به فضای دیگری خارج از بحث اصلی رجوع دهد. بنابراین جواب به نوشته ۶ صفحه ای ریبوار احمد همین اندازه قابل پاسخگویی است

در جلساتی هم که افرادی از رهبری حککمی در پالتالک برگزار کرده اند، بر "واقع بینی" این جریان و اینکه "موضعی تاریخی در این بیانیه اتخاذ شده"، داد سخن سر داده اند و آنرا تحولی بس عظیم برای حزب شان محسوب می کنند. جالب اینجاست که برای اثبات این سیاست، به نمونه جنگ کومله و حزب دمکرات و اتخاذ تصمیم و سیاست منصور حکمت در مورد این جنگ استناد می کنند.

باید به این دوستان حالی کرد که نه کومله حککمی آن دوره بود و نه حزب دمکرات کردستان ایران حزب حاکم بود و نه قاسملو رئیس جمهور

ایران بود. اگر چنین می بود سازماندهی نیروی قدرتمند اجتماعی را صد چندان طلب می کرد. کاری که امروز حککمی از آن دست شسته است.

یکی از کادرهای رهبری این جریان بنام محسن کریم در جلسه پالتالکی و در شروع صحبتهايش در دفاع از بیانیه اظهار داشت که: این بیانیه و سیاست حاکم بر آن باید بعنوان باز شدن دریچه های زیادی روی روی حزب نگریسته شود. اگر اتحادیه میهنی به ممنوعیت فعالیت ما خاتمه بدهد و فشار را از روی ما بردارد، ما حاضر به گفتگو و مذاکره هستیم. ما داریم مبارزه را متناسب با اوضاع و احوال و شرایط فعلی که واقعی تر است پیش می بریم.

این دوستان سابق بیان نمی کنند که دادن چنین بیانیه ای و برای رفع ممنوعیت از فعالیت و نشست بر سر میز مذاکره بر سر چه چیزی؟ آیا مذاکره بر سر طرح خواست و مطالبات زیرپا گذاشته شده مردم است که به مدت یک دهه و نیم توسط اتحادیه میهنی و احزاب مرتجع و ریز و درشت ناسیونالیست عشیره ای و مذهبی حاکم در کردستان زیر پا گذاشته شده است؟ آیا مذاکره بر سر احقاق ابتدایی ترین حقوق کارگران و زحمتکشان است؟ آیا مذاکره بر سر قطع و ممنوعیت دست درازی به حقوق زنان و کودکان است؟ یا مذاکره بر سر شریک شدن در قدرت حاکم و در بخش کردستانی آن است؟

ریبوار احمد و رهبری این جریان به جای تاریخ نگاری از وقایع یک سال گذشته که پاسخ خود را گرفته است و به جای هتاک کردن در گفته ها و نوشته هایشان، اندکی بر سر سیاست اتخاذ شده در این بیانیه و اینکه می خواهند در پرتو آن چه گلی به سر مردم کارگر و زحمتکش بزنند سخن می گفتند، بهتر میبود.

اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق برای رهای از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارند، بلکه خود جزو اولین موانعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنها کنار زده شوند. رهایی مردم کردستان بدون خلاصی از سلطه این احزاب ارتجاعی و پایان دادن به میداناری آنها در صحنه کردستان



مصاحبه ایسکرا با نسرين رمضانعلی در مورد ۱۶ آذر

شد. اما به نظر من ۱۶ آذر هنوز تمام نشده بود و جنبش دانشجویی دارد خودش را برای برپایی و به میدان آمدن ها آماده می کند. در مجموع باید بگویم که نفس اینکه این روز را حکومت نظامی اعلام کردند، درهای دانشگاهها را بستند، مراسم های دولتی سازمان دادند، نشان داد که رژیم چه ترس و وحشتی از این روز و اوج گیری اعتراضات دانشجویی داشته و دارد. همین که مسئول حراست وزارت کشور و وزارت آموزش عالی ناچار می شود اعلام کند که به دلیل قضیه سقوط هواپیمای نظامی و به بهانه عزاداری و آلودگی هوا ۱۶ آذر به یک هفته بعد از این روز می تواند برگزار شود خود گویای یک درجه عقب نشینی رژیم برای سرکوب و کنترل و مهار جنبش دانشجویی می باشد. با تمام این توضیحات به نظر من کاملا محتمل بود که دور تازه ای از تحركات دانشجویی شروع شود.

ایسکرا: ما طی روزهای اخیر شاهد برپایی تظاهراتها و اعتراضات گسترده دانشجویی در دانشگاه تهران و بویژه در دانشکده فنی بودیم. از نظر شما این همان بازگشت به برپایی مراسم هایی به مناسبت ۱۶ آذر می باشد یا نه و شما این تحركات چند روز گذشته را چگونه می بینید؟

نسرين رمضانعلی: ببینید من قبلا هم توضیح دادم که ۱۶ آذر تمام نشده و ما باید منتظر تحركات جدی تری و حتی رادیکال تر در دانشگاهها باشیم. این امر اتفاق افتاد. جنبش دانشجویی بعد از گذشت يك هفته از ۱۶ آذر دوباره عرض اندام کرد. این بار در تهران. قضیه از این قرار بود که دار و دسته های انجمن های اسلامی وابسته به دفتر تحکیم وحدت و ادوار مراسمها و نشستهایی را قبلا سازمان داده بودند که خود این دار و دسته ها به خاطر قضیه سقوط هواپیما و بخشا به خاطر عدم نداشتن مجوز، مراسم هایشان را ملغی کرده بودند. طی روزهای اخیر مراسم ها و نشستهای مختلفی از طرف انجمن های اسلامی بر پا شده است. که عمدتا

هدف آنطوریکه برگزار کنندگانش اعلام داشته اند قرار است وحدت حوزه و دانشگاه را دوباره عملی سازند. در این میان اما جنبش چپ و رادیکال دانشجویی خارج از همه این تقلاها خودی نشان داد. برای مثال روز سه شنبه ۲۲ آذر ماه هزاران دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران مراسم دولتی سازمان داده شده را تبدیل به عرصه پر شور اعتراض و مبارزه بر علیه کل حکومت کردند. اعتراضات به حدی گسترده بود که خبرگزاریهای رژیم ناچار از انعکاس آن شدند. در این روز دوباره شعار های نان و آزادی برای همه مرگ بر استبداد، آزادی و

هدف آنطوریکه برگزار کنندگانش اعلام داشته اند قرار است وحدت حوزه و دانشگاه را دوباره عملی سازند. در این میان اما جنبش چپ و رادیکال دانشجویی خارج از همه این تقلاها خودی نشان داد. برای مثال روز سه شنبه ۲۲ آذر ماه هزاران دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران مراسم دولتی سازمان داده شده را تبدیل به عرصه پر شور اعتراض و مبارزه بر علیه کل حکومت کردند. اعتراضات به حدی گسترده بود که خبرگزاریهای رژیم ناچار از انعکاس آن شدند. در این روز دوباره شعار های نان و آزادی برای همه مرگ بر استبداد، آزادی و

هدف آنطوریکه برگزار کنندگانش اعلام داشته اند قرار است وحدت حوزه و دانشگاه را دوباره عملی سازند. در این میان اما جنبش چپ و رادیکال دانشجویی خارج از همه این تقلاها خودی نشان داد. برای مثال روز سه شنبه ۲۲ آذر ماه هزاران دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران مراسم دولتی سازمان داده شده را تبدیل به عرصه پر شور اعتراض و مبارزه بر علیه کل حکومت کردند. اعتراضات به حدی گسترده بود که خبرگزاریهای رژیم ناچار از انعکاس آن شدند. در این روز دوباره شعار های نان و آزادی برای همه مرگ بر استبداد، آزادی و

برابری در دانشگاه طنین افکند. دوباره ورشکسته گان دوم خردادی جا خوش کرده در دانشگاه و انجمن های اسلامی، شاهد اعتراضات بشدت رادیکال دانشجویان بودند و یک بار دیگر همه این دار و دسته ها بر علیه دانشجویان معترض عربده کشی کرده و دستور دادند درهای دانشکده را ببندند تا دانشجویان و مردم نتوانند به این اعتراضات بپیوندند. و این همان نکته ای است که اول اشاره کردم و آن اینکه ۱۶ آذر هنوز تمام نشده است. این موج برگشت جنبشی رادیکال و بشدت ضد رژیمی است که به تمام معنا در برابر حکومت با شعارها و مطالبات رادیکال دست به قدرت نمایی زد. این را باید به فال نیک گرفت.

ایسکرا: بله شما بدست اشاره به

دست اندرکاران و سازمان دهندگان و به یک معنا کل حکومت را غافلگیر کرد. مشخصه اصلی و مهم این حرکت را می شود در چپ و رادیکال و برابری طلب و ضد رژیمی بودن آن دید. و اینکه چپ دارد در دانشگاهها دست بالا را پیدا می کند و قادر است دست به قدرت نمایی بزند و کل ورق را به نفع جنبش سرنگون خواهی مردم و جنبش دانشجویی برگرداند و نشان بدهد که اگر این جنبش خواهد می تواند هر روز ۱۶ آذر دیگری را به حکومت تحمیل نماید. در پاسخ به قسمت دوم سوال شما مبنی بر اینکه چه چیزهایی در این میان عوض شده

دست اندرکاران و سازمان دهندگان و به یک معنا کل حکومت را غافلگیر کرد. مشخصه اصلی و مهم این حرکت را می شود در چپ و رادیکال و برابری طلب و ضد رژیمی بودن آن دید. و اینکه چپ دارد در دانشگاهها دست بالا را پیدا می کند و قادر است دست به قدرت نمایی بزند و کل ورق را به نفع جنبش سرنگون خواهی مردم و جنبش دانشجویی برگرداند و نشان بدهد که اگر این جنبش خواهد می تواند هر روز ۱۶ آذر دیگری را به حکومت تحمیل نماید. در پاسخ به قسمت دوم سوال شما مبنی بر اینکه چه چیزهایی در این میان عوض شده

تفاوت که این بار همه چیز از داخل سالن برگزاری نشست حکومتی شروع شد. به این معنا رژیم اصلا فکرش را نمی کرد که این اعتراض و در این ابعاد آن هم از درون دانشگاه شروع و بشدت گسترش یافته و عملا کل فضا و جو دانشکده فنی را به نفع جریان چپ و برابری طلب و ضد رژیم از دست دار و دسته های وابسته به حکومت در بیاورد. اقدام دانشجویان در جریان سخنرانی های عناصر دوم خردادی رژیم و اعتراضات وسیع و غیر قابل کنترل کل جمعیت بر علیه سخنرانان و گردانندگان مراسم، بلند کردن پلاکارها و شعارهایی که بر روی آنها شعار نان و آزادی برای همه، آزادی و برابری و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشگاه بیدار است و... کل

ایسکرا: در جریان اعتراضات روز ۲۲ آذر ماه در تهران داوود آشتیانی دبیر انجمن اسلامی این دانشکده و از برگزار کنندگان این

مراسم خطاب به معترضین گفته است که این کار آنها عین کار کمونیستها در کنفرانس برلین می باشد. از نظر شما این اعتراف دیگری به نقش حزب کمونیست کارگری و گرایش چپ در دانشگاه هانست؟

نسرين رمضانعلی: دقیقا اینطور است. این که در جریان این اعتراضات پرشور دانشجویان اشاره به کنفرانس برلین می شود هیچ معنای دیگری نمی تواند داشته باشد که الگوی کنفرانس برلین و اعتراض نوع برلینی که همه ما می دانیم در این کنفرانس چه گذشت اعترافی است به نقش دخالتگر گرایش چپ و کمونیست که دارد در این اعتراضات دست بالا را پیدا می کند می باشد. این اعترافی است به این امر که رادیکالیسم ضد رژیمی بودن، برابری طلب بودن، سرنگونی خواه بودن و به کلیت رژیم و جمهوری اسلامی از هر جناح و دار و دسته اش نه گفتن، با حزب کمونیست کارگری تداعی می شود. اعتراضی که در عین رادیکال بودن مرزبندی خودش را با جریانان فراندومی و اصلاح طلب و ملی و مذهبی نشان داده و نوع دیگری از مبارزه و اعتراض و سنت دانشجویی را دارد جا می اندازد. سنتی که چپ است و به چیزی کمتر از سرنگونی و آن هم نوع برلینی آن رضایت نمی دهد.

الگوی برلین و اعتراض نوع برلینی با حزب کمونیست کارگری ایران تداعی شده و بیانگر رادیکالیسم و چپ و تلاش جنبش چپ دانشجویی برای در دست گرفتن سکان رهبری جنبش دانشجویی می باشد. ما این اعترافات را به فال نیک می گیریم و امیدواریم این نوع از اعتراض و مبارزه هر چه گسترده تر و سازمان یافته تر به میدان بیاید. روز ۲۲ آذر فقط آغاز این حرکت بود.

ایسکرا: برگردیم به شهرهای کردستان. ۱۶ آذر امسال در کردستان چه خبر بود. آیا اعتراضاتی برپا شد؟

جیش دانشجویی در کردستان جنبش جوانی است. به جرات می توان گفت که مثل جنبش زیادعرض



گزارشی از تجمع اعتراضی کارگران نساجی کردستان و تهاجم نیروهای رژیم به آنها

مورد اقدامات بعدی خود تصمیم بگیرند.

لازم به ذکر است که در این کارخانه تا کنون تعداد زیادی از کارگران به دلیل عدم ایمنی محیط کار و پخش مواد شیمیایی در فضا به بیماریهای تنفسی، ریوی و شنوایی مبتلا شده‌اند. در این تجمع اعتراضی تعدادی از خبرنگاران محلی و سراسری نیز در محل حضور داشته و از اجتماع کارگران گزارش و عکس تهیه می‌کردند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع کارگران نساجی کردستان از همه کارگران و مردم آزادیخواه سنندج می‌خواهد که بر علیه سرکوب و حمله به کارگران و ضرب شتم آنان اعتراض کنند و با تمام قوا به حمایت از اعتراضات و مبارزات کارگران بپردازند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**
۲۲ آذر ۱۳۸۴
۱۳ دسامبر ۲۰۰۵

شدند. کارگران نیز به اعتراض و مقاومت خود ادامه دادند. با گسترش اعتراضات از طرف اطلاعات رژیم به کارگران اعلام شد که نمایندگان کارگران را برای مذاکره به استانداری خواهند برد و تا فردا حقوقهای شما پرداخت می‌گردد. سپس توسط اتیوسهایی که از سوی



شهرداری به محل آورده شده بود، کارگران را به مرکز شهر منتقل کردند. تا از ادامه حرکت آنان جلوگیری شود. کارگران در همانجا تصمیم گرفتند که بعد از ظهر امروز مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و در

گردن کارفرما و مسئولین اداری انداخت و اعلام داشت که وی با حضور نمایندگان کارگران و ادارات ذیربط این مسئله را مورد بررسی قرار خواهند داد. هر لحظه بر تعداد نیروهای انتظامی افزود می‌شد. بعد از صحبت‌های بابک قطبی کارگران اعلام کردند که بخاطر گرفتن حقوق

دوران اعتصاب خود که قرار بود تا ۲۰ آذر ماه به آنان پرداخت شود، به مقابل اداره کار حرکت خواهند کرد. این تصمیم کارگران با حمله نیروهای انتظامی و یگان ویژه روبرو شد و تعدادی از کارگران از جمله اسماعیل خسروی، جلیل و محمود زخمی

توانستند با فشار اعتراضاتشان بابک قطبی رئیس شبکه بهداشت سنندج را مجبور به حضور در اجتماع خود کنند تا پاسخگوی آنان باشد. کارگران می‌گفتند که بیش از ۱۵ سال است نه بهداشت محیط کارخانه مورد بررسی قرار گرفته است و نه معاینات سالانه

صورت گرفته است و شما باید بعنوان رئیس بهداشت سنندج پاسخ ما را بدهید که چرا تاکنون این بازرسیها و معاینات انجام نگرفته است. بابک قطبی که از خشم کارگران حاج و واج شده بود مشکلات را به

کارگران کارخانه نساجی کردستان در پی تصمیمی که روز گذشته در کارخانه گرفته بودند، امروز سه شنبه ۲۲ آذر ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح در مقابل دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. کارگران خواهان معاینات پزشکی سالیانه و پرداخت حقوق دوران اعتصابشان می‌باشند و در همین رابطه پلاکاردهایی در دست داشتند. با اجتماع کارگران نیروهای انتظامی سرکوبگر رژیم در محل حاضر شدند.

نیروهای انتظامی با تعطیل کردن دانشگاه و همچنین مسدود کردن خیابان ۶ بهمن تلاش داشتند که تجمع کارگران نساجی را متفرق کنند. معاون نیروی انتظامی به میان کارگران رفت و اعلام کرد ما حکم داریم که به تجمع شما حمله کنیم و تلاش داشتند با تهدید تجمع کارگران را متفرق کنند. از سوی دیگر مردمی که تلاش می‌کردند خود را به این تجمع برسانند با ممانعت نیرو انتظامی روبرو میشدند. اما علیرغم این ممانعت ها کارگران شاهی توانستند حلقه محاصره نیروهای انتظامی را در هم شکسته و به کارگران نساجی بپیوندند. بدین ترتیب کارگران

کارگران نساجی در محاصره نیروی انتظامی

پزشکی سالیانه و پرداخت حقوق دوران اعتصابشان می‌باشند. ما در اطلاعیه‌های بعدی شما را در جریان این اعتراض و مبارزه کارگران قرار خواهیم داد. مردم مبارز و آزادیخواه، کارگران و دانشجویان حزب کمونیست کارگری ایران شما را به حمایت از اعتراض کارگران و پیوستن به تجمع اعتراضی کارگران نساجی کردستان فرا می‌خواند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**
۲۲ آذر ۱۳۸۴

کارگران جلوگیری می‌کنند. نیروهای رژیم برای جلوگیری از گسترش مبارزات کارگران درهای دانشگاه را بسته و دانشگاه علوم پزشکی را تعطیل کرده‌اند. تجمع کارگران نساجی کردستان تا هنگام رسیدن این خبر به دست ما ادامه دارد. همانطوریکه که کارگران قبلا اعلام کرده بودند تلاش می‌کنند که از مسیر دانشگاه علوم پزشکی به طرف اده کار حرکت کنند. نیروهای انتظامی سعی می‌نمایند که از حرکت کارگران به طرف اداره کار جلوی گیری نمایند. کارگران خواهان معاینات

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است، امروز سه شنبه ۲۳ آذر ماه کارگران نساجی کردستان از ساعت ۹.۳۰ صبح در مقابل دانشگاه علوم پزشکی کردستان تجمع کرده‌اند. کارگران با حمل پلاکارتهایی خواهان رسیدگی سریع به خواسته‌هایشان می‌باشند. در واکنش به این تجمع اعتراضی کارگران، نیروهای گارد ویژه و نیروی انتظامی در محل حاضر شده و کارگران را محاصره کرده و از پیوستن مردم به صف اعتراض



نیروی انتظامی به صف اعتراضی کارگران نساجی کردستان حمله کرده است

کرده و با تمام قوا به حمایت از اعتراضات و مبارزات کارگران بپردازند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آذر ۱۳۸۴**

کارگران نساجی کردستان خواهان معرفی و محاکمه عاملین و عامرین این وحشیگری بر علیه کارگران می باشد.

ما از همه کارگران و مردم آزادیخواه سندج می خواهیم که بر علیه این سیاستهای سرکوبگرانه دولت و کارفرمایان و بویژه حمله به کارگران و ضرب شتم آنها را محکوم

نیروهای انتظامی تعداد سه نفر از کارگران زخمی شده اند. اسامی کارگران زخمی شده عبارتند از اسماعیل خسروی، جلیل و محمود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع

می کنند که از دانشگاه به طرف اداره کار حرکت کنند ولی نیروی انتظامی مانع حرکت آنها شده اند. در جریان رویارویی نیروی انتظامی با کارگران، نیروهای سرکوبگر رژیم با استفاده از باطوم به تجمع اعتراضی کارگران یورش برده و اقدام به ضرب و شتم کارگران نموده اند. در جریان این حمله وحشیانه

در حالی که تجمع کارگران نساجی کردستان مقابل دانشگاه علوم پزشکی تا دریافت این خبر ساعت ۱۱ قبل از ظهر ادامه داشته، کارگران کارخانه نساجی شاهر نیز به این تجمع پیوستند. خیابان ششم بهمن که منتهی به دانشگاه است، توسط نیرو انتظامی مسدود شده است. کارگران تلاش

تجمع کارگران آجر ماشینی سندج با حمله وحشیانه نیروهای رژیم روبرو شد

سراسر ایران می خواهیم که اخبار اعتراض کارگران نساجی و آجر ماشینی و تهاجم نیروی سرکوب حکومت به آنها را به گوش همه برسانند و به هر شکل ممکن از کارگران سندج اعلام پشتیبانی و حمایت کنند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آذر ۱۳۸۴ - ۱۳ دسامبر
۲۰۰۵**

خود قرار دادند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حمله وحشیانه نیروهای انتظامی به کارگران حق طلب را محکوم میکند و از همه کارگران و مردم می خواهد که به این توحش مزدوران حکومت اعتراض کنند. باید صف کارگران را در برابر نیروی توحش جمهوری اسلامی تقویت کرد. این جانان باید در حلقه نفرت و انزجار همه مردم در سطح شهر قرار گیرند. ما از کارگران

نتیجه این درگیری چند نفر از کارگران زخمی شدند و با وارد شدن گارد ویژه تجمع اعتراضی کارگران متفرق گردید.

امروز دومین بار است که نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به تجمعات اعتراضی و بر حق کارگران حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. هنگام صبح سرکوبگران در مقابل دانشگاه علوم پزشکی کارگران نساجی کردستان را نیز مورد حمله

محرومند و این کارگران در اجتماع امروز خود خواهان رسیدگی فوری به حق بیمه خود و پرداخت خسارت به کارگری شدند که دستش قطع شده بود.

با تجمع کارگران نیروهای انتظامی حکومت به آنها حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. کارگران دست به مقاومت زدند. بیش از یک ساعت بین کارگران و نیروهای انتظامی در مقابل استانداری درگیری بود. در

امروز سه شنبه ۲۲ آذر از ساعت ۱۰ صبح کارگران کارخانه آجر ماشینی در مقابل استانداری سندج تجمعی اعتراضی برپا کردند. علت تجمع امروز کارگران آجر ماشینی، اتفاق اسفناکی بود که دیشب در کارخانه روی داد. در این سانحه ناگوار انگشت دست یکی از کارگران لای دستگاه پرس ۲۵۰ کیلویی گیر کرده و دست وی قطع شد. کارگران این کارخانه که ۳۵۰ نفر هستند از حق بیمه

تهاجم به دفتر حزب کمونیست کارگری چپ عراق در بغداد محکوم است فعالین ربوده شده این حزب باید فوراً آزاد شوند

خواهی را نمایندگی و هدایت میکند و این صف را هرچه فعالتر علیه نیروهای سناریوی سیاه بسیج و تقویت خواهد کرد. تهاجم تروریستها بهیچ وجه در این حرکت خللی ایجاد نخواهد کرد.

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد آزادی برابری
حکومت کارگری

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ دسامبر ۲۰۰۵**

سازمانهای سیاسی و انسان دوست می خواهد که این تهاجم و ربودن فعالین این حزب را محکوم کنند و خواهان آزادی فوری آنها شوند. بی تردید کل سناریوی ارتجاع اسلامی در عراق و همچنین پروژه ارتجاعی دولت آمریکا و هم پیمانانش برای حاکم کردن دولتی قومی و مذهبی در این کشور، با مقابله جبهه انسانیت مترقی و پیشرو به شکست خواهد رسید. حزب کمونیست کارگری چپ عراق و جنبش کمونیسم کارگری این جبهه ترقی

خصومت را با آزادیخواهی و برابری طلبی و ایده های پیشرو سوسیالیستی دارند. فعالیت و رشد جریانهای مثل حزب کمونیست کارگری چپ عراق که از انسانیت و سوسیالیسم و آزادی و برابری دفاع میکند با نفس موجودیت این باندهای مرتجع قرون وسطایی در تضاد قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران تهاجم باندهای اسلامی به دفتر حزب کمونیست کارگری چپ عراق را شدیداً محکوم میکند و از همه

بود ترور کردند. کشور عراق اکنون صحنه ترور و آدم ربایی و جنایات باندهای مرتجع تروریست و اسلامی است که با ایجاد فضای ترور و وحشیگری و کشتارهای بیرحمانه کودک و مرد و زن می خواهند حاکمیت قرون وسطایی خود را به مردم تحمیل کنند. بویژه کمونیستها و فعالین کارگری موضوع اصلی حمله این جنایتکاران هستند و تاکنون چندین فعال کارگری و چپ ربوده و ترور شده اند. این جریانهای بیشترین

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری چپ عراق روز چهارشنبه ۷ دسامبر یک باند مسلح نقاب پوش به دفتر این حزب در بغداد یورش برده و دو نفر از فعالین این حزب بنامهای "اکرم فلاح خطاب" و "بسیم خامس" را که در دفتر بودند ربوده و با خود به نقطه نامعلومی بردند. در ماه اکتبر نیز تروریستهای اسلامی یکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری چپ عراق بنام "میشم نجاج" را هنگامی که مشغول سخنرانی در میان جمعی از کارگران و دانشجویان

رژیم در سراسر ایران در این روز تحمیل کرده بود نبود. به همین دلیل تحرکات دانشجویی و برپای مراسم های مستقل و جدا از حکومت و دارو دسته های حکومتی عملاً ممنوع شده بود.

میدان دادن به دار و دسته های بسیجی و انجمن های اسلامی در کنار سازماندهی مراسم های حکومتی نتوانست آنطوریکه باید و شاید ۱۶ آذر را برگزار نماید. این وضعیت حاکم در کردستان بی تاثیر از فضا و جو ارباب و سرکوبی که

شهر های ایران در صدد بر آمده که خودش را سازمان دهد. امسال هم از یکی دو ماه قبل از ۱۶ آذر تلاش های زیادی برای برگزاری این روز صورت گرفته بود که با تهدید و احضار تعدادی از فعالین دانشجویی و با کنترل شدید دانشگاهها و

مصاحبه ایسکرا با نسرین رمضانعلی . . .

از صفحه ۴

کردستان شروع شد. از این به بعد می شود گفت که دانشجویان و جنبش دانشجویی در کردستان همگام به جنبش دانشجویی در سایر

اندام نکرده است. از سال گذشته که برای اولین بار اعتراضات دانشجویی علیه آپارتاید جنسی و طرح جداسازی در دانشگاه آزاد

اطلاعیه سازمان جوانان
کمونیست

رهایی انسان! پلاتفرم دانشجویان قطعه نامه ۲۰ آذر: "تنها یک آلترناتیو وجود دارد و آن رجوع به انسان و انسانیت است"

۷- احکام دادگاه سقز علیه فعالین کارگری (برهان دیوارگر- محمود صالحی- محسن حکیمی- محمد عبیدی و جلال حسینی) محکوم است و خواستار آزادی بی قید و شرط آنان هستیم. این فعالین کارگری تنها برای خواستههای برحقشان مبارزه کرده اند و جرمی جز برگزاری اول ماه مه ندارند. جنبش دانشجویی حمایت همه جانبه خود را از ایشان اعلام می دارد.

۸- مساله هسته ای بر اثر تبلیغات رسانه ای تبدیل به یک مساله ملی در کشورها شده است. اما ماهیت و سرشت این مساله، پوشش دادن برای سلاحهای هسته ای در درجه اول و دفن زباله های هسته ای در مناطق محروم در درجه دوم است. ما با نظامی گری هسته ای و تخریب زیست محیط با زباله های هسته ای مخالفیم و خواستار جهانی عاری از فعالیت های مخرب هسته ای هستیم.

۹- انقیاد فکری نهاد دانشگاه که متشکل از شکل رابطه استاد و دانشجو، بدیهیات علمی، متد تحقیق، شیوه های فردگرایانه پژوهش و تخصصی شده دانش آکادمیک و... را نمی پذیریم و برای تحول ساختاری آن مبارزه می کنیم.

سازمان جوانان کمونیست یکبار دیگر به دانشجویانی که در اجتماع امروز پیام انسانیت و آزادیخواهی و پلاتفرم سیاسی سوسیالیستی را به گوش همه رساندند و تمهیدات جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری تظاهرات دانشجویان را به شکست کشاندند، درود می فرستد.

مذهب و ملا بیرون از دانشگاه!
گسترده باد اعتراض دانشجویان علیه جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سازمان جوانان کمونیست
۲۰ آذر ۸۴، ۱۱ دسامبر

شود. در سال گذشته تا امروز بیش از ۳۰۰ مورد اتفاق افتاده است.
۳- آزادی بی قید و شرط تشکلهای کارگری، دانشجویی، و NGO های مستقل، آزادی بیان و عقیده باید به رسمیت شناخته شود و هیچ کس با هیچ بهانه ای حق محدود کردن آن را



ندارد.
۴- آپارتاید جنسی و تبعیض علیه زنان محکوم است و رهایی زنان از آلام و مصائب گوناگون خواست تمام جامعه است.

۵- رکن جامعه ما بر پایه سرمایه و سود آن بنا شده است و فقر، استثمار، فحشا، اعتیاد و... از پیامدهای آن است. ما از مبارزه طبقه کارگر اعم از کارگران بیکار، کارگران شرکت واحد، نفت، ایران خودرو و کارخانجات نساجی دفاع کرده و دوشادوش آنان برای ساختن جامعه ای که اساس آن انسان و انسانیت و دفاع از معیشت شریف ترین انسانهای این جامعه است تلاش خواهیم نمود. ضمناً از مبارزات تمامی اقشار اعم از معلمان، پرستاران، پزشکان و تمامی زحمت کشان جامعه دفاع می نماییم.

۶- حمله و وحشیانه به کردستان، حمله به دفتر سندیکای شرکت واحد و کارهای پلیسی از این دست محکوم است و فوراً عاملان آن باید مجازات شوند.

گشته است. اکنون اعلام می داریم که این روز برای ما نه روز تقدیر نظام از سرسپردگی دانشجو که روز بزرگداشت آزادی و آزادیخواهی است و هیچگاه زیر پرچم ارتجاع و استبداد سر فرود نمی آوریم.
ما جهانی عاری از استثمار

طبقاتی، ظلم سیاسی و تبعیض جنسی را خواستاریم، برای آن مبارزه می کنیم و خود را هم سنگر با تمامی انسانهای زحمت کش جامعه، طبقه کارگر جهانی، و آزاده گان می دانیم. و جز این مبارزه هر نسخه سازشکارانه دیگری همچون فدرالیسم، رفرمیسم، تکیه به تفاوت های نژادی، و حمله خارجی راه نجات نیست و چیزی جز بازتولید ارتجاع و استبداد را در پی ندارد. **تنها یک آلترناتیو وجود دارد و آن رجوع به انسان و انسانیت است.** پس در همین راستا ما انجام مطالبات خویش را بی هیچ قید و شرطی خواستاریم:

۱- کوتاه شدن دست تمامی نهاد های امنیتی و انضباطی از دانشگاه خواست فوری و بدون قید و شرط ماست.

۲- آزادی همه زندانیان دانشجویی، همه نشریات توقیف شده، و بلاگ نویسان دستگیرشده، و همه دانشجویانی که محرومیت های متفاوتی را متحمل شده اند، ایشان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند و به آنها غرامت پرداخت

بنا به خبر، دانشجویان در جریان این حرکت اعتراضی اقدام به برگزاری یک تریبون آزاد کردند که طی آن ۳ نفر از دانشجویان برای جمعیت صحبت کردند. این سخنرانی ها از جمله به شبه نظامی شدن فضای دانشگاهها، نبود آزادیهای سیاسی، سرکوب مردم

کردستان و عدم وجود امکانات لازم دیگر برای دانشجویان اختصاص داشت. در این تظاهرات قطعه نامه ای نیز قرائت شد که مفاد آن چنین است:

" ۱۶ آذر روز آزادی و ایستادگی در برابر استبداد و بی عدالتی است. امروز را با همه توان خود پاس میداریم. ما دانشجویان بعنوان بخشی از مردم ستم کشیده و همراه با تمامی ستم کشندگان نظام سرمایه داری یکصدا، فریاد میزنیم که امکانات و ثروت و زر و نفت باید به صاحبان اصلی آن یعنی به همه مردم بازگردانده شود. ما در ۱۶ آذر همراه با محرومان جامعه برای رفع فلاکت و بحران هم صدا میشویم. روز ۱۶ آذر برای ما دانشجویان، روز رهایی انسان از تمامی تقسیم بندیها و تبعیض های طبقاتی، جنسی و نژادی است و در شرایط اجتماعی ایران دانشجویان منادی خواست آزادی و برابری برای تمام جامعه هستند. این روز نه تنها روز دانشجو بلکه روز تمامی آزادگان است و به نماد آزادی خواهی و برابری طلبی تبدیل

همانطور که در اطلاعیه قبلی خبر دادیم، امروز شمار زیادی از دانشجویان با اجتماع در مقابل دانشکده فنی دانشگاه ضمن گرامیداشت روز ۱۶ آذر با نوشتن خواستها و مطالبات خود بر روی پلاکاردها، سر دادن شعار و خواندن قطعه نامه عزم و اراده انقلابی مردم برای ایجاد تغییراتی عمیق و رادیکال در جامعه ایران را به نمایش گذاشتند. بنا به اخبار منتشر شده در سایت اینترنتی آشوب، دانشجویان در حالی که سروردهای انترناسیونالیستی می خواندند و شعارهایی در مورد استقلال دانشگاه و استعفا زنجانی سر می دادند قصد داشتند که از کنار دانشکده حقوق خود را به سردر اصلی دانشگاه تهران برسانند که با سد حراست دانشگاه روبرو شدند و مسیر خود را به سمت دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده ادبیات و زبان فارسی تغییر دادند. این در حالی بود که جمعیت زیادی به تظاهرکنندگان افزوده شده بود.

بنا به این خبر، این حرکت اعتراضی ساعت ۱۲ ظهر شروع شد. دانشجویان پلاکاردهایی در دست داشتند که منجمله روی آنها نوشته شده بود:

"دانشجو دانشجو اتحاد اتحاد دانشجو کارگر اتحاد اتحاد زندان سیاسی را ویران کنیم تنها یک نژاد و آن نژاد انسانی تشکلهای مستقل دانشجویی خواست دانشجویان

آزادی تشکلهای کارگری حق کارگران است

در راه رهایی چیزی جز زنجیرهایمان برای از دست دادن نداریم
ما از زندگی بد بیشتر از مرگ می هراسیم

رهایی زن رهایی جامعه پوشش اجباری نه آزادی زندانیان سیاسی فوراً و بدون قید و شرط

Revolution only
"solution"

بلند کردن پرچم سفید و تسلیم ریوار احمد و حزب کمونیست کارگری عراق جنبش اعتراضی مردم کردستان را تسلیم نخواهد کرد!

در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۰۵ ریوار احمد لیبر حزب کمونیست کارگری عراق از طرف این حزب اطلاعیه ای را به عنوان "بحثی برای اطلاع عمومی" در مورد کشمکش این حزب با اتحادیه میهنی کردستان پخش کرده و "یکطرفه در مورد فضای تشنج و ردروری با اتحادیه میهنی اعلام آتش بس کرده" به قول خودشان این کار را برای هموار کردن فضای سیاسی جامعه کردستان انجام داده اند.

اطلاعیه ریوار احمد و حککع در حالی منتشر می شود که ناسیونالیسم کرده نه تنها در کردستان قدرت را بطور کامل قبضه کرده بلکه در عراق خود بخشی از حکومت را تشکیل می دهند، اتحادیه میهنی اکنون یکی از اصلیترین متحدین امریکا و بازیکنان سناریوی سیاه در عراق می باشد. حزب کمونیست کارگری عراق برای اینکه بتواند سیاستهای راستروانه خود را پیش ببرد و از طریق دیپلماسی به نان و نوائی برسد احتیاج به سازش با این گونه احزاب را دارد.

اطلاعیه "بحثی برای اطلاع عمومی" پیام تبریک حککع به ناسیونالیسم کرده و جلال طالبانیست، حزب کمونیست کارگری عراق اگر تاکنون ادعای چپ و کمونیست بودن را داشت با صدور این اطلاعیه پوچ بودن این ادعایشان را زیر سوال بردند و راه و مسیر دیگری را در پیش گرفتند.

۱: اختلاف سیاسی و طبقاتی میان کمونیسم کارگری و ناسیونالیسم

کرد، اختلاف دو جنبش سیاسی اجتماعیست که دو الترناتیو جداگانه برای جامعه دارند، از روزی که کمونیسم کارگری بطور علنی فعالیت خود را شروع کرده، یعنی از تاسیس شوراهای سال ۹۱ تا به امروز این جدل و کشمکش با ناسیونالیسم کرد ادامه دارد. ما الان ۱۵ سال از این اختلاف و کشمکش را پشت سر گذاشته ایم. در طی تمام این مدت ما تلاش کرده ایم ناسیونالیسم کرد و سیاستهایشان را در میان مردم نقد و افشا کنیم، اگر کسی و یا حزبی می خواهد این فعالیت را متوقف کند ازاد است اما دیگر در صفوف کمونیسم کارگری جای ندارد و عملا به جبهه دیگری پیوسته.

۲: حزب کمونیست کارگری عراق "در کردستان نمانده اند" تا خودشان را صاحب اعتراضات روزمره مردم کردستان بدانند و این مبارزه را دو دستی تقدیم اتحادیه میهنی نمایند. اعتراضات روزمره مردم کردستان برای حقوق خود بخصوص در چند ماه گذشته خارج از اراده حککع و ریوار احمد و علیه حاکمیت ناسیونالیسم کرد شکل گرفته و آنها نمی توانند این روند را متوقف کنند.

۳: سیاست سرکوب توسط ناسیونالیسم کرد و اتحادیه میهنی بخشی از ماهیت این احزاب است و کشتار، قتل عام و تیراندازی بسوی اعتراضات مردم هیچ ارتباطی با جایگاه ریوار احمد و حککع ندارد، تا آنها با ادعای خاموش کردن این اعتراضات بتوانند با اتحادیه میهنی گفتگو و سازش کنند.

سازش اینها نه سیاست سرکوبگرانه اتحادیه میهنی متوقف می شود و نه اعتراضات مردم علیه حاکمیت این احزاب کوتاهی می یابد.

۴: حککع در حال جنگ با اتحادیه میهنی نیستند و هیچ جنگی در میان نسیت تا اینها یکطرفه آتش بس کنند، آن چیزی که اینها می گویند و قولش را میدهند که یکطرفه "فضای تشنج و ردروری" را تمام کنند" غیر از اعتراض و مبارزه کارگران، جوانان، زنان و توده وسیع مردم کردستان نیست، که این هم خارج از اراده حککع شکل گرفته و آنها نمی توانند این اعتراضات را متوقف کنند و یا آن را به سازش بکشانند.

حککع با این سیاست سازشکارانه اشان تنها می توانند برای کوتاه مدت سپری برای اتحادیه میهنی در مقابل مبارزات مردم ایجاد کنند.

۵: این "نامه همدردی ریوار احمد" در شرایطی به اتحادیه میهنی ابراز می شود که اعتراضات مردم علیه سیاستهای سرکوبگرانه احزاب ناسیونالیست کرد رو به گسترش است، مردم مدتی قبل صندوقهای رای گیری را بایکوت کردند و مبارزه آنها هر روزه اینجا و آنجا ادامه دارد.

اتحادیه میهنی برای فائق آمدن بر مبارزات مردم احتیاج به نیرویی دارد که تا دیروز در صف مباره مردم علیه حاکمیت آنها بوده که متاسفانه ریوار احمد و حککع این نقش را بر عهده گرفته اند و ریوار احمد می گوید من از عهده این کار بر می آمم و "

فضای تشنج و ردروروی را پایان می دهم."

مردم ازادخواه کردستان! کمونیستها، فعالین جنبش شورانی و رهبران جنبش کارگری، جوانان، زنان!

اطلاعیه ریوار احمد و حککع نامه سازش و تسلیم آنها در مقابل اتحادیه میهنیست اینها می خواهند با سرنوشت شما و از قول شما با نزدیک به دو دهه مبارزه و اعتراض شما علیه حاکمیت ناسیونالیستها سازش و معامله کنند، این سیاست سیاستی ضد کمونیستی است. نگذارید این سیاست راستروانه برای توافق از بالا و بدست آوردن چند صندلی پارلمان به هر قیمتی و از طرف شما انجام شود و آن را افشا کنید.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق پرچم واقعی کمونیسم کارگری را در دست دارد و درصاف اول اعتراض و مبارزه اتان قرار دارد و در کنار شما سازشکاران را افشا خواهد کرد، حزب ما در صف مقدم مبارزه هر روزه شما و متحد و به سر انجام رساندن این مبارزه برای دنیای بهتر و سوسیالیستی تلاش می کند و شما را به پیوستن به صفوف این حزب فرا می خوانیم.

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد کمونیسم کارگری
حزب کمونیست کارگری چپ
عراق
۲۷ نوامبر ۲۰۰۵

راديو انترناسيونال

۹ هر شب

۲۱ متر برابر با

۷۴۹۰ كيلو هرتز

تلویزیون

کانال جدید

۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608MHz

SymbolRate:19279

FEC:2/3

Polarization:
Horizontal

به ایسکرا کمک
مالی کنید

www.iskraa.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی